

چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی

علی مرادی بهمنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

چکیده

در این مقاله بحث چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این موضوع بدین خاطر مطرح می‌شود که مسئله چالش‌ها و عوامل تنزل و زوال سرمایه اجتماعی دغدغه اساسی عمده متفکران جامعه‌شناسی است؛ چون تشکیل سرمایه اجتماعی به زمان طولانی نیازمند است ولی زوال آن در کمترین زمان، ممکن است. این مسئله را با تأکید بر مجموعه بیانات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه که گنجینه‌های عظیم معارف اسلامی و انقلابی دوران معاصر و منشور تمام نمای انقلاب اسلامی است، مورد توجه قرار دادیم. به لحاظ روش‌شناسی از نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی می‌باشد که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه کدامند؟ مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات نسلی و کارآمدی نظام سیاسی به‌عنوان چالش‌ها و اختلاف در سطوح گوناگون، طرح جدایی دین از سیاست، افول اجتهاد و نواندیشی دینی، مصلحت‌گرایی پراگماتیسم، ملی‌گرایی و تغییرات ارزشی به‌عنوان عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه هستند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، فرسایش سرمایه اجتماعی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه‌ی APSA)

مرادی بهمنی، علی (تابستان ۱۴۰۵). «چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۳۴، صص ۹۹ - ۱۲۶.

^۱. استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران. ایمیل: moradialijan@gmail.com
کپی‌رایت © ۲۰۱۰، SSSI (اندیشکده مطالعات راهبردی شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با باریگری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی که چند دهه‌ای در ادبیات مربوط به علوم اجتماعی اعم از اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی وارد شده، مفهومی پیچیده چندوجهی و بین‌رشته‌ای است که علی‌رغم تازگی و پیچیدگی، توجه بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌های مذکور را به خود جلب کرده و توانسته است از ابهامات و کاستی‌های نظری بحث‌های اقتصادی- اجتماعی تا حد زیادی بکاهد. سرمایه اجتماعی امروزه به‌عنوان یکی از شروط لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه‌جانبه، گسترش انسجام و همبستگی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل فرد- جامعه- دولت محسوب می‌شود که متأسفانه در کشورهایی مانند ایران کمتر به این مقوله توجه می‌شود و این در حالی است که فرسایش و افول بیش‌ازحد سرمایه اجتماعی در هر جامعه آن را با مشکلات فرهنگی اجتماعی و سیاسی روبه‌رو می‌سازد که نهایت آن فروپاشی اجتماعی است.

در جامعه ایران نیز مفهوم سرمایه اجتماعی نیازمند بومی شدن بر اساس مؤلفه‌های ملی دینی خود است. از این رو یکی از منابع مهم و اصلی که در این جهت باید مدنظر قرار گیرد، اندیشه‌ی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است که می‌تواند کمک شایانی در جهت بومی کردن این مفهوم نماید. اندیشه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه از آن جهت حائز اهمیت است که ایشان هم مجتهد و عالمی دینی بودند و هم آشنا با جامعه ایرانی و از سوی دیگر نیز ایشان به‌عنوان بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی ایران بودند و از این رو می‌توانند به‌عنوان منبع ارزشمندی برای تبیین منابع بومی سرمایه اجتماعی و باعث تقویت و ارتقای آن به شمار بیایند.

فرایند رخداد انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بیانگر وجود سرمایه اجتماعی است. عبور از فراز و نشیب‌های گوناگون و حل بحران‌ها نشان از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دارد. تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و بقا و کارآمدی نظام اسلامی بدون شک به شناخت عوامل پیروزی و تأسیس آن‌ها بستگی دارند. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تغییرات در جامعه، میزان مشارکت مردم، اعتماد متقابل مردم و دولت، روابط عاطفی و مذهبی بین مردم، نفوذ باورهای دینی در بین مردم و مرجعیت دینی به‌شدت افزایش یافت. به‌عبارت دیگر بین انقلاب اسلامی و سرمایه اجتماعی رابطه متقابل به وجود آمد. انقلاب هم نتیجه سرمایه اجتماعی و هم مولد آن شد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که نموده‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای رنگ و بوی هویتی آن را دارد. جامعه ایران به علت داشتن هویت مذهبی، آیین‌ها، اصول و ارزش‌های مشترک دارای مؤلفه‌های خاص خود است. احساسات و هویت مشترک مردم ایران رنگ و بوی مذهب دارد؛ بنابراین، تحلیل و ارزیابی این پژوهش از سرمایه اجتماعی به دلیل هویت دینی مردم ایران با رویکرد ارزشی خواهد بود. به نظر پژوهشگر، اندیشه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه الگوی مناسبی برای این منظور باشد.

اندیشه‌های امام مبتنی بر معنویت‌گرایی اسلامی است. عنصر معنویت به‌عنوان یک شاخص اساسی در بررسی سرمایه اجتماعی در اندیشه ایشان می‌بایست موردتوجه قرار گیرد. امام به‌عنوان یک رهبر اجتماعی با اقتدار و نفوذ بسیار بالا و متکی به حمایت و وحدت کلمه قاطبه مردم توانست در عصر مادی‌گرایی یک نهضت دینی را ایجاد کند و نظام سیاسی متناسب آن را بنیان‌گذاری کند. هرچند امام از اصطلاح «سرمایه اجتماعی» استفاده ننموده است، لکن محتوای آن در اندیشه ایشان تبلور یافته است. شاید کلیدی‌ترین مفاهیم در اندیشه امام «وحدت کلمه»، «دین»، «حضور در صحنه»، «احساس تکلیف همگانی»، «تفاهم»، «اخوت»، «اعتماد» و «ولایت» باشند که با تبیین آن‌ها به مفهوم سرمایه اجتماعی در نزد ایشان می‌رسیم. تبیین تئوریک اندیشه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در زمینه تولید سرمایه اجتماعی و قدرت اجتماعی و بازتولید آن در دوره‌ها و اعصار مختلف و تربیت انسان‌ها بر محور اندیشه امام ما را از روزمرگی رها خواهد کرد و نظام را از حوادث شکننده سالم گذر خواهد داد. شناخت اندیشه امام از منظر سرمایه اجتماعی دارای اهمیت نظری و عملی فراوانی است.

در این نوشتار چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه موردبررسی قرار می‌گیرد. از این‌رو، پرسش اصلی این پژوهش چنین است که چالش‌های پیش روی سرمایه اجتماعی و عوامل فرسایش آن در اندیشه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه کدامند؟ بر اساس این نوشتار، پژوهش حاضر ضمن بررسی و تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی در اندیشه پی‌یر بوردیو و اندیشه انسان‌شناسی امام خمینی به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، توجه ویژه‌ای به مبانی، مؤلفه‌ها و چالش‌های سرمایه اجتماعی در اندیشه امام دارد و در انتها به مهم‌ترین عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

پیرامون سرمایه اجتماعی در ایران و عوامل فرسایش آن پژوهش‌های متعددی صورت گرفت است که در زیر سعی می‌شود به چند مورد از آن‌ها اشاره شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی طرحی را با عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راه‌های ارتقاء آن» با مجری‌گری سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۴) به انجام رسانده است. مهم‌ترین اهداف طرح عبارت‌اند از: تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی از نگاه صاحب‌نظران و تعیین مؤلفه‌های آن در ایران، شرح و بسط تاریخچه مفهوم سرمایه اجتماعی و رویکردهای نظری (در تعریف نظری مفهوم) و اینکه این مفهوم چه نیازهایی را پاسخ می‌دهد و انتقادات وارد بر آن چیست؟ در این پژوهش ابتدا به تعریف سرمایه اجتماعی و سپس به بررسی وضعیت برخی از عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در ایران و به تفکیک استان‌ها پرداخته شده و نیز سرمایه اجتماعی در ایران و سایر نقاط جهان مقایسه

گردیده است. در این پژوهش؛ سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه با دوام از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود. عناصر اصلی سرمایه اجتماعی در این پژوهش آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی و شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مدنی رسمی فرض شده‌اند. به‌طور کلی بر اساس یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی در ایران به ترتیب اهمیت از عناصر مهمی نظیر: تعهد دینی، همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی و نهادی و انواع مشارکت رسمی و غیررسمی تأثیر می‌پذیرد.

محمد مبارکی (۱۳۸۴) رابطه سرمایه اجتماعی و میزان جرم را در تهران، ورامین و... بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که بین آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد یعنی هر چه میزان سرمایه اجتماعی بالا باشد میزان جرم کاهش می‌یابد. وی در این تحقیق اعتماد اجتماعی، خودباوری، نگرش مثبت به دیگران، داشتن روابط متقابل و احساس کمک و ایثار نسبت به دیگران به‌عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ذکر می‌کند.

علی آدمی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آرای امام خمینی» مفهوم سرمایه اجتماعی را با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی بررسی کرده است. البته این مفهوم از مضامین مورد تأکید در گفته‌های ایشان به‌خصوص در حوزه سیاسی و اجتماعی است. نویسنده در ابتدا سرمایه اجتماعی را در منظومه فکری ایشان توضیح داده و سپس مؤلفه‌ها، عناصر و اهمیت آن را در شکل‌گیری جامعه اسلامی از نظر گذرانده است.

امان‌الله فصیحی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «دین و سرمایه اجتماعی» سرمایه اجتماعی را متغیر وابسته در نظر گرفته و دو نوع متغیر مستقل کیفی (اعتماد و آگاهی اجتماعی) و کمی (میزان مشارکت و ارتباطات) را با ذکر شاخص‌های هر کدام از دیدگاه اسلام، آن‌ها را شرح می‌دهد. کیان تاجبخش (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی» به موقعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز، عوامل دگرگونی، نقش عوامل سیاسی و عقیدتی و بنیادهای خدمات عمومی مانند بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام می‌پردازد و در نهایت دخالت دولت‌ها را از عوامل زوال و کاهش سرمایه اجتماعی تلقی می‌کند.

سید علیرضا حسینی بهشتی و حسین هادوی (۱۳۸۵) مقاله‌ای با عنوان «نقش اعتمادسازی در افزایش مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی» نوشته‌اند. در این مقاله اعتماد به مردم و سپردن کارها به آن‌ها نقش مهمی در مشارکت مردم در جامعه از دیدگاه امام شمارش شده و باعث می‌شود روابط یک‌سویه حاکمیت به روابط دوسویه تبدیل گردد. نقش تربیت را در این امر مهم ارزیابی می‌کنند.

علی ربانی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی اعتماد عمومی به روحانیت از منظر امام خمینی»، به عوامل اعتماد و تهدیدات آن اشاره می‌کند و در بخش دیگر مقاله به نظرات امام می‌پردازد. علیرضا کوهکن (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی» بیان می‌کند که در اسلام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد، از جمله به اخوت، خانواده و ولایت اشاره می‌نماید.

نتیجه حاصل از ذکر این نوع تحقیقات این است که به‌طور اجمال معلوم می‌گردد که به عناصر اصلی سرمایه اجتماعی از قبیل تعهد دینی، اعتماد عمومی، روابط اجتماعی، مشارکت و آگاهی پرداخته شد که در همه تحقیقات کم‌وبیش مورد توجه قرار گرفته‌اند ولی چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از این نظر پژوهش حاضر متمایز می‌باشد.

۳. تعریف مفاهیم اساسی

۱- سرمایه: اصطلاح سرمایه به ثروت انباشته‌شده، به‌خصوص ثروتی که برای تولید بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. آن معمولاً با عینیت‌هایی قابل تصرف ماندگار و قابل انتقال مانند ساختمان‌ها و ماشین‌ها تعریف می‌شود. آن چنان که جان فیلد^۱ عنوان می‌کند، در اندیشه اقتصادی اصطلاح سرمایه اساساً به معنای مجموع پول ذخیره شده است که می‌تواند برای نیل به سود بیشتر مورد سرمایه‌گذاری قرار گیرد (غفاری و چلبی، ۱۳۸۴: ۴۲). لین^۲ در تعریف سرمایه می‌گوید: «سرمایه یعنی مجموعه منابع درحالی که این منابع به‌منظور کسب منفعت، سرمایه‌گذاری و یا منتقل شوند» (Lin Non, 2008: 31). همچنین در تعریفی دیگر سرمایه عبارت است از کار انباشته (در شکل مادیت یافته یا شکل «متجسد» و پیکریت یافته آن) که وقتی بر مبنایی خصوصی و انحصاری، به تصرف عاملان یا گروه‌هایی از عاملان در می‌آید آنان را قادر می‌سازد تا نیروی اجتماعی را در شکل کار عینیت یافته یا جاندار به تصرف درآورند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۸).

۲- سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی^۳ در سالیان اخیر توجه محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی را به خود مشغول کرده است. در واقع به خاطر همین چندبعدی و پیچیده بودن، باعث شده که صاحب‌نظران مختلف تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه دهند. یکی از صاحب‌نظران بنام سرمایه اجتماعی فوکویاما^۴ می‌باشد که در کتاب «پایان نظم»، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وجود وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم‌اند. او همچنین می‌افزاید که مشارکت در ارزش‌ها

^۱. John Field

^۲. Lin

^۳. Social capital

^۴. Francis Fukuyama

و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چراکه این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند باید شامل سجایایی از قبیل صداقت ادای، تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۶۷). سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و خود او آن را چنین تعریف می‌کند:

«سرمایه اجتماعی مجموع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که در نتیجه شبکه بادوامی از روابط کم‌وبیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل به وجود می‌آید. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی با عضویت در یک گروه مرتبط است و برای هر یک از اعضای خود با حمایت سرمایه جمعی خودشان صلاحیتی فراهم می‌آورد که آنان را مستحق اعتبار به معنای مختلف کلمه می‌کند» (Bourdieu, 1985: 51).

بنابراین از نظر بوردیو ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیا و نهادها بنیان نهاده‌اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک خانواده، ملت، انجمن، حزب و مجموعه‌ای کامل از کنش‌ها برای نهادینه کردن نظیر مبادلات مادی و نمادین تضمین شود.

۳- فرسایش: فرسایش اسم مصدر از مصدر فرسودن است. فرسودن در لغت به معنی؛ محو و نابود کردن، کهنه کردن و کاستن و کم کردن به کاررفته است (معین، ۱۳۷۶: ۷۲۴). کهنه شدن، کاستن و نابود شدن در اثر استفاده (بهینه یا غیر بهینه) مکرر و طولانی مدت از یک منبع و سرمایه مادی بدون جایگزینی به وجود می‌آید؛ اما سرمایه اجتماعی در اثر استفاده بهینه نه تنها کهنه، کاسته و نابود نمی‌شود بلکه طراوت می‌یابد. سرمایه اجتماعی ممکن است در اثر استفاده نابجا یا در اثر تحول روان‌شناختی و جامعه‌شناختی پایه‌های اصلی آن روبه‌زوال گذارند و زمینه‌های نابودی و محو شدن آن فراهم گردد، یا سرمایه‌های اجتماعی منفی در جامعه شکل بگیرند، در هر صورت باعث سقوط نظام سیاسی و اجتماعی موجود می‌گردد. تضعیف یا تخریب نظام ارزشی و هنجاری، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی شبکه روابط اجتماعی و نفوذ رهبری از عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی هستند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. پی‌یر بوردیو و سرمایه اجتماعی

پی‌یر بوردیو^۱، فیلسوف و جامعه‌شناس معاصر فرانسوی و از متقدمان ارائه نظریه سرمایه اجتماعی است. بوردیو برای توضیح انواع سرمایه و تأثیر آن‌ها از مفهوم «فضای اجتماعی» استفاده کرد. فضای اجتماعی، فضای رابطه‌ها، جایگاه‌ها، مقام‌ها، انتظارات و نقش‌های اجتماعی است. این

^۱. pierre Bourdieu

جایگاه‌ها غیر محسوس هستند ولی واقعیت دارند، اصول واقعی روابط بین افراد و گروه‌ها به شمار می‌روند (Bourdieu, 1994: 31). فضای اجتماعی توزیع منابع، آرایشی از مقام‌ها، موقعیت‌های اجتماعی و میدان‌های متفاوت (آموزش، زبان، دولت خلاقیت و...) است. این میدان‌ها در داخل هم لانه نکرده‌اند بلکه ممکن است با هم متقاطع و همپوشان و متداخل باشند، اثرات همدیگر را تقویت یا تضعیف کنند. میدان‌های اجتماعی صحنه رقابت برای مالکیت و بازآفرینی منابع هستند. این منابع را بورديو، سرمایه می‌نامد که منبع قدرت اجتماعی هستند. کسانی که بر این منابع تسلط یابند بر میدان‌های اجتماعی تسلط پیدا می‌کنند. فضای اجتماعی که مجموعه‌ای از میدانی اجتماعی است هرچه در هم تنیده و متداخل باشند هم به ثبات و نظم اجتماعی کمک می‌کنند و هم به تحول و پویایی جامعه یاری می‌رسانند (Bourdieu, 1994: 34). بورديو با توجه به زمینه و متن چهار نوع سرمایه را تحت عنوان؛ سرمایه اقتصادی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی شناسایی می‌کند که به‌اختصار به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

یکم، سرمایه اقتصادی^۱، منابع و دارایی‌های نقدی و غیر نقدی منقول و غیرمنقول است که قابلیت تملک و حق مالکیت بوده و می‌تواند برای تولید کالاها و خدمات به کار رود (Turner, 1998: 511). سرمایه اقتصادی شامل سرمایه مالی، ابزار ماشین‌آلات و تجهیزات تولید زمین و مواد خام می‌گردد که بلافاصله قابل تبدیل به پول می‌شوند.

دوم، سرمایه انسانی^۲ دارایی‌هایی است که به‌صورت دانش و مهارت، انسان‌ها در اختیار دارند. این نوع سرمایه افراد را قادر می‌سازد تا به شیوه‌های جدید رفتار کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴). سرمایه انسانی؛ ناظر بر میزان تحصیلات، معلومات، سطح دانش عمومی، مهارت‌های کاری و امثال این‌هاست، اگرچه سرمایه فیزیکی نیستند اما قابلیت تبدیل شدن به آن را دارند.

سوم، سرمایه فرهنگی^۳، سرمایه فرهنگی اشاره به اطلاعات یا دانش درباره باورها، سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت در زندگی را ارتقا می‌بخشند، دارد (بن فاین، ۱۳۸۵: ۵۴). سرمایه فرهنگی، مجموعه‌ای از ارزش‌های تاریخ و سنت‌ها است که بخشی از مردم را با هم مرتبط می‌سازد.

چهارم، سرمایه اجتماعی^۴، بر اساس تعریف بورديو سرمایه اجتماعی «مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به‌واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم، شناخت و آگاهی‌های متقابل به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار نموده و آنان را شایسته اعتبار می‌سازد» (Bourdieu, 1985: 241).

¹. Economic capital

². Human capital

³. cultural capital

⁴. social capital

سرمایه اجتماعی نسبت به سایر سرمایه‌ها ناملموس است. سرمایه اقتصادی به صورت منقول و غیرمنقول، سرمایه انسانی در ذهن افراد، سرمایه فرهنگی در تاریخ و سرمایه اجتماعی در ساختار روابط اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها را کارآمد می‌کند. کنشگران می‌توانند با استفاده از سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی یا سرمایه فرهنگی دست یابند و به همین نحو برای دست‌یابی به سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه‌ای در منابع اقتصادی و فرهنگی انجام دهند. بورديو اقتصاد و جامعه‌شناسی را دو واقعیت می‌داند و سعی دارد از جامعه‌شناسی در جهت رونق اقتصادی بهره جوید و از تحویل جامعه‌شناسی به اقتصاد پرهیز می‌کند (بن فاین، ۱۳۸۵: ۱۳).

بورديو با تقسیم سرمایه به انواع مختلف، هم فضای مفهومی و هم زمینه‌های سرمایه اجتماعی را متمایز می‌کند. از نظر بورديو سرمایه اجتماعی حاصل پیوند شبکه با دوام و مبتنی بر اعتماد بین افراد و یک امر آگاهانه می‌باشد. از این رو، سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط ودیعه‌ای طبیعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد.

سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید آن گونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۱). شعاع و گستره سرمایه اجتماعی از دیدگاه بورديو بستگی به سه مؤلفه اساسی، یعنی شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی عمومی دارد.

از جمله نقاط ضعف اندیشه بورديو در مورد سرمایه اجتماعی این است که ایشان سرمایه اجتماعی را به انگیزه ثروت‌اندوزی و قدرت‌افزایی افراد نسبت می‌دهد. وجهه انسانی سرمایه اجتماعی را نادیده می‌گیرد و آن را محدود به قدرتمندان می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۷). افراد مرفه موفقیت خود را با استفاده از اتصالاتشان با سایر افراد مرفه حفظ می‌کنند. نقش افراد قابل‌انکار نیست، اما تأثیر نهادهای اجتماعی و سیاسی را نمی‌توان نادیده گرفت در عین حال دیدگاه بورديو دارای نقاط قوت است. بورديو سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه‌ها تفکیک کرد و آن را منبع قدرت دانست.

۲-۴. سرمایه اجتماعی و انسان‌شناسی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

مباحث جامعه‌شناسی، عموماً درباره فرد و جامعه و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر بحث می‌کند، کمتر به نظام آفرینش و تأثیر آن می‌پردازد، در حالی که توجه به این سیستم رویکرد ما را به جامعه‌شناسی تغییر می‌دهد. اگر ارزش‌ها و نیازها اساس جوامع باشند، بسیاری از ارزش‌ها و نیازهای انسان طبیعی هستند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۰). به نظر ما انسان‌شناسی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه برای کشف نظریه سرمایه اجتماعی در اندیشه ایشان اهمیت خاصی دارد.

موضوع علوم اجتماعی انسان است. تنوع علوم انسانی به تنوع زوایای زندگی انسان برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی حاصل روح اجتماعی و تعاملات انسانی می‌باشد. نوع انسان‌شناسی، در سرنوشت علوم انسانی تأثیر می‌گذارد. همه معارف بشری آنجا که مربوط به انسان هستند، اعتبار خود را از طرز نگرش انسان به خودش و دیگران دریافت می‌کنند. از این رو امام خمینی رحمت‌الله‌علیه هدف بعثت انبیا را تربیت انسان می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۰۵). همان طوری که معلوم است سرمایه اجتماعی بستگی به نوع تربیت انسان دارد، اینکه انسان مشارکت‌جو باشد یا نه؟ اهل تعامل باشد یا نه؟ به تعهدات خود عمل کند یا نه؟ صادق باشد یا کاذب؟ امین باشد یا خائن؟ همگی بستگی به تربیت و جامعه‌پذیری دارد و بحث جامعه‌پذیری و تربیت فرع بر نوع انسان‌شناسی است. انسان ابعاد مختلف دارد، ما در این قسمت به سه محور اشاره می‌کنیم که برای روشن کردن مبنای نظری این مقاله کمک می‌کند.

یکم؛ فطرت، امام در امر تربیت انسان به فطرت توجه می‌کند. فطرت حالتی است که انسان خلق شده است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). فطرت به لحاظ فردی، هویت فردی و به لحاظ اجتماعی، هویت اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهد. نظام‌های سیاسی و اجتماعی ارزش و قداست می‌یابند در صورتی که بتوانند نیازهای فطری و الهی انسان را برآورده سازند. انسان دارای دو نوع فطرت، اصیل و تبعی است. این دو فطرت، وسیله رشد و تعالی و پایه تمام فطریات و گرایشات انسان هستند. پذیرش سرشت مشترک برای انسان به‌طور طبیعی نیازها و ارزش‌های مشترک را به اثبات می‌رساند. افزون بر اینکه وفاق، اتحاد و همبستگی نوع انسان در گرو یافتن همین مشترکات فطری است. فطرت اصلی، فطرت عشق به کمال مطلق فطرت فرعی، فطرت تنفر از نقایص است. اگر انسان بر اساس فطرت خدادادی تربیت نشود، منشأ جمیع گرفتاری‌های خود و جامعه می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۷۷). تربیت انسان، مسیر او را به سمت تعالی فردی و اجتماعی یا انحطاط آن‌ها مشخص می‌کند.

دوم؛ امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بر اساس حدیثی از امام صادق علیه‌السلام، انسان را به لحاظ روحی، ترکیبی از نیروهای عقل - رحمانی و نیروهای چهل - شیطانی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که ظهور نیروهای عقل سلامتی فرد و اجتماع و ظهور نیروهای چهل، انانیت خودخواهی و خودبینی به وجود می‌آورد که سلامتی فرد و اجتماع را به خطر می‌اندازد (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۴۵). در واقع نظام آفرینش در سرنوشت فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد. نیروهای عقل آنالیز فطرت اصیل و تبعی و نیروهای چهل تجزیه فطرت تحریف شده است. دو فطرت اصیل و تبعی، منبع جنود عقل و نیروهای رحمانی می‌باشند. فطرت اصیل منبع گرایشات انسان به حقایق و کمالات و فطرت تبعی منبع زهد و استقلال از دنیا است. فطرت آغشته به دنیا و تحریف شده منبع جنود چهل و نیروهای شیطانی هستند.

بر اساس دو فطرت اصیل و تبعی سالم یا غیرسالم، دو نوع انسان به وجود می‌آید: اول، انسان الهی، مؤمن با فضیلت، مذهب، خدمتگزار، متعهد عادل و متنفر از ظلم و دوم، انسان مادی، غیر مؤمن، فاسد، وابسته به دنیا طاغوتی و... (صحیفه امام، ج ۶: ۴۲). در سطح اجتماعی، سه نوع جامعه الهی، جامعه حیوانی (انسانی) و شیطانی شکل گیرد. متناسب هر جامعه‌ای سرمایه اجتماعی شکل گیرد. جامعه‌ای الهی، سرمایه اجتماعی الهی متناسب خود و جامعه‌ای حیوانی سرمایه خاص خود را دارد. هیچ جامعه‌ای بدون پشتوانه پا برجا نمی‌ماند. اساس جنود عقل حب کمال، ترک انانیت، ترک خودخواهی و خودبینی است. چنانکه اساس جنود جهل خودخواهی، خودبینی و وابستگی به دنیا می‌باشد. همان‌گونه که تضاد بین جهل و عقل ذاتی و دائمی است تضاد دو طایفه از مردم و دو جامعه، ذاتی و دائمی است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۶۱).

سوم؛ ناقص و نیازمند بودن انسان، موجودات از چهار قسم خارج نیستند. یک قسم از آن‌ها ناقص است. موجودی که کمال وجودی خود را ندارد و نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند؛ بنابراین حتماً به خارج از خود نیازمند است. انسان جزء این قسم است (لک زایی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). البته «همه موجودات ناقص‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۷۸)، اما به لحاظ آفرینش غیرمکتفی بالذات و نیازمند است و نمی‌تواند نیازهای خود را فراهم کند. بقیه موجودات جوازات خاص خود را از نظر آفرینش دارند. انسان به چه چیزی و به چه کسی نیازمند است؟ نیازها روابط را تولید می‌کنند. انسان از جهت وجودی نیاز ذاتی به خداوند دارد، این پیش‌فرض آثار اجتماعی و سیاسی خود را دارد.

انسان برای اینکه آنچه خدا می‌خواهد باشد، نیاز دارد از دستورالعمل‌های خدا پیروی کند. انسان نیاز به نظام ارزشی و هنجاری دارد. دین با ساحت‌های سه‌گانه‌اش (اعتقادات، اخلاق و فقه) بر طبق نقشه فطرت بنا شده و تمام احکام الهی و مجموعه معارف دینی یا در جهت تأمین کمال یا رفع نواقص انسان هستند. همه دعوت‌های قرآنی و مواظب نبوی و امامان علیهم‌السلام، یا برای تقویت فطرت اصیل و فطرت تبعی هستند (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۷۹) و یا از فروافتادن انسان به چاله‌های فساد جلوگیری می‌نمایند. انسان نیاز به انسان‌های دیگر و روابط اجتماعی دارد. نقص انسان باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی و مشارکت می‌گردد. با انقطاع از خدا نیاز واقعی او رفع نخواهد شد. جمع بی‌نهایت صفر یا نیازمند، بی‌نهایت صفر یا بی‌نهایت نیازمند خواهد بود؛ اما اگر صفرها در کنار یک قرار گیرند، معنی‌دار می‌شوند. چطور می‌شود که وقتی دسته فقرا جمع شوند پولدار شوند؟ با دستان خالی وارد اتاق شده، دست پُر شوند؟ پس یک غنی بالذات لازم است که به این تهیدستان اعطای عطایا کند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۹). این همان معنی «اعتصام به حبل‌الله جمیعاً» است.

روابط اجتماعی، هسته سرمایه اجتماعی است. آنچه مسلم است اینکه روابط اجتماعی تربیت دینی و رهبری و مشارکت مردم در یک فضای اعتماد و ریسک‌پذیری صورت می‌گیرد. چرخ بزرگ اجتماع بدون اعتماد، از کار می‌افتد. در بحث سرمایه اجتماعی، دیدگاه امام ضمن انطباق با نظریه‌های رایج، از محتوای دینی و انسان‌شناختی خاصی برخوردار است. ایشان به سرمایه اجتماعی

از منظر جامعه‌پذیری انسان نگاه کند. از آنجا که انسان منشأ تحول فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد. توجه به تربیت او بر اساس فطرت ضرورت پیدا می‌کند. امام رابطه مردم با همدیگر و دولت و مردم را از این زاویه مورد توجه قرار می‌دهد و در جهت تشکیل دولت هادی و شناساندن آفات آن قدم برمی‌دارد. ارکان اصلی دولت هادی دین، رهبری و مردم است که برای نیل به سعادت تلاش می‌کند (لک زایی، ۱۳۸۴: ۲۴).

انسان‌شناسی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، منبع مبانی سرمایه اجتماعی است. منبع سرچشمه و محل جوشش مبانی می‌باشد. به عنوان مثال دین یک مبنا و قرآن، سنت و عقل منابع آن هستند. مبانی سرمایه هستند و باید سرمایه را در راه تولید سرمایه صرف کرد. با توجه به نظریه‌های متفکران سرمایه اجتماعی از جمله بوردیو و انسان‌شناسی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌توان مبانی سرمایه اجتماعی را استخراج کرد.

۵. مبانی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

یکم؛ نظام ارزشی و هنجاری که تحت عنوان دین مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر آن را در ایجاد سرمایه اجتماعی ارزیابی می‌کند. در مباحث بالا معلوم شد که دین یک امر فطری است و برای تأمین نیازهای انسان و تنظیم روابط او با دیگران فرستاده شده است. اصول اعتقادی، اخلاقی و هنجاری مشترک و نهاده‌ها، در بحث سرمایه اجتماعی مطرح کردند. هر فرد در تطبیق با قوانین و مقررات یا هنجارهای جامعه خود که بر پایه ارزش‌ها استوار است، عمل می‌کند. اصول مشترک، پذیرش شیوه‌های جدید و تأسیس هر نوع سازمان یا گروه را ممکن یا ناممکن می‌سازند. ارزش‌ها، نگرش‌هایی هستند که افراد، گروه‌ها و جامعه در مورد خوبی، بدی، مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت مادی و غیرمادی دارند (محسنی، ۱۳۸۱: ۳۱۲). هنجارها، قواعد مقبول و پذیرفته شده رفتار هستند که بر پایه نظام ارزشی حاکم در جامعه شکل می‌گیرند. هنجارها بیان می‌دارند که از یک شخص، سازمان و دولت چه رفتارهایی در موقعیت‌های مختلف مورد انتظارند. هنجارهای پذیرفته شده رفتارها را کنترل، هدایت و همسو می‌کنند. دین مجموعه‌ای از معارف اعتقادی، اخلاقی و رفتاری مشترک برای اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان و از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. امام پیروزی انقلاب را به اسلام و انسجام نسبت می‌دهد. انسجام را هم محصول اسلام می‌داند (صحیفه امام، ج ۱۱: ۱۹۷). جامعه‌شناسی انسان در دیدگاه امام بسیار مهم است. در ایجاد حرکت اجتماعی توجه به خواسته مردم نقش اساسی دارد. فهم مشترک و همدلی عامل اساسی بسیج اجتماعی و سیاسی است. امام تصریح می‌کند که «باید ببینیم که زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می‌خواهد» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۱۹۸).

دوم؛ اعتماد اجتماعی، اعتماد یک نوع نگرش ذهنی مثبت است. نگرش مثبت انسان نسبت به خدا، اعتماد و توکل به خدا را به وجود می‌آورد. نگرش مثبت انسان نسبت به خود، اعتماد به نفس را باعث می‌گردد. نگرش مثبت انسان نسبت به دیگران باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی در سطوح مختلف می‌گردد. نگرش مثبت انسان به نظام سیاسی باعث تشکیل قدرت، حمایت و پشتیبانی اجتماعی آن می‌گردد. اعتماد اجتماعی از نظر بورديو، قلب سرمایه اجتماعی است. اعتماد از زمینه‌های تجربی و فراگردهای اخلاقی و رفتاری حاصل می‌شود و در میان کنشگران، همکاری و سهولت کنش را افزایش می‌دهد. اعتماد عنصر اختیاری و آگاهانه است که رفتار کنشگران را پیش‌بینی پذیر می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۳). اعتماد شخصی و صمیمانه از طریق تعامل، به اعتماد تعمیم‌یافته یا اجتماعی تبدیل شده و سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد یک نوع تمایل به خطرپذیری در جامعه، نسبت به دیگران و انجام صحیح «وظایف» و «تکالیف» است. ایمان مذهبی قوی‌ترین دلیل توجه به قوانین هنجارها، حقوق و وظایف است. ایمان مذهبی انسان را متعهد و مسئول بار می‌آورد و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد. ایمان همه افراد را مانند اعضای یک اندام به هم پیوند داده، متحد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۷). اعتماد حاصل نیروهای عقل، مانند امانت‌داری، وفای به عهد، صدق، عدل، رأفت، رفق، مواسات و... است.

سوم؛ مشارکت مردم، برای تحقق نظام مبتنی بر یک نظام ارزشی دینی و حاکمیت رهبری ارزشی نقش اساسی دارد. ایمان در یک سطح به اعتقاد به خدا اطلاق می‌گردد و در سطح اجتماعی و سیاسی به پذیرش حاکمیت دین خدا و رهبر مورد تأکید دارد. درواقع نمود ایمان در جامعه در مقبولیت نظام سیاسی دینی ظهور می‌کند. ازاین‌رو عمل مردم به لحاظ فردی و اجتماعی موردتوجه خداوند است؛ یعنی مشارکت به‌عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی می‌تواند هم مأمور خدا باشد و هم می‌تواند منهی او گردد. منظور از مشارکت درگیری ذهنی و اجتماعی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف یکدیگر را یاری کنند و در مسئولیت کار شریک باشند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). مشارکت اجتماعی هزینه‌های بالقوه عهدشکنی، فضای ابهام‌آمیز و غیر شفاف را از بین برده، ایجاد حس اعتماد و همکاری می‌کند. مشارکت به این معنی است که همه اجزای جامعه بتوانند و بخواهند در تمام شئون حیات اجتماعی خود شریک و سهیم شوند، مداخله کنند، همگرایی و همراهی داشته باشند (شایان مهر، ۱۳۸۸: ۲۱۴). امام، آگاهی، مشارکت، نظارت مردم و همگامی آن‌ها با حکومت منتخب خود را بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت جامعه می‌داند (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۸) و مشورت در کارها را از دستورات اسلامی می‌شمارد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۰).

چهارم؛ روابط اجتماعی، از نظر بورديو شبکه روابط اجتماعی یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی می‌باشد. افراد از طریق شبکه‌های ارتباطی به اهداف خود دست می‌یابند و با بسط و توسعه روابط درون شبکه‌ها دیدگاه مشترک پیدا می‌کنند. توسعه روابط، خصوصاً روابط غیررسمی هم باعث

افزایش اعتماد و هم‌نشان‌دهنده وجود اعتماد اجتماعی است. باورهای مشترک با اثرگذاری بر عواطف قلبی و اجتماعی مشترک در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارند. باورهای مشترک فرم ذهنی و اجتماعی به وجود می‌آورد.

روابط مبتنی بر اخوت، عادلانه و برابر است. امتیازات فردی و اجتماعی به‌جز معیار تقوا وجود ندارد «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (سوره حجرات، آیه ۱۳) و قانون الهی در آن حاکم است و همه در برابر آن مساوی هستند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۶). فضای حاکم بر اندیشه امام که متخذ از دین می‌باشد، ضد ذره‌اندیشانه است. ذره‌ای‌اندیشی و عزت‌گزینی به همان اندازه که به کل سامان اجتماعی آسیب می‌زند برای فرد هم آسیب‌زا است. علاقه به سرنوشت مشترک افراد را به هم پیوند می‌دهد. حسن هم‌جواری از عوامل ارتباط میان افراد است. هر عنصری که چنین کارکردی داشته باشد، بزرگ‌ترین منبع سرمایه اجتماعی است.

پنجم؛ رهبری، روابط اجتماعی بر اساس نظام ارزشی و عواملی که انسان را از کثرت محض خارج می‌کند و تحت یک ایده قرار می‌دهد باعث تشکیل امت می‌گردد. هر امتی نیاز به امام و رهبر دارد تا بتواند مردم را به فطرت اصیل و دین مبتنی بر فطرت دعوت کند. به نظر ما امام خمینی نمونه این نوع رهبری است که طبیعتاً خود به یک عنصر سرمایه ساز تبدیل می‌گردد. امام خمینی یک رهبر مدنی است و رهبر مدنی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است؟ چه کسی باید معیار ارزیابی خوبی‌ها در جامعه باشد؟ چه کسی می‌تواند الگو باشد؟ امام خمینی این بحث را به این صورت مطرح می‌کند که حکومت اسلامی چون حکومت قانون و عدالت است لازم است حاکم دارای دو صفت علم و عدالت باشد و شرط سوم کتابت یا کفایت است (امام خمینی، بی‌تا: ۶۲۳). در واقع هدایت جامعه از طریق صالح‌ترین افراد صورت می‌گیرد.

هفتم؛ آگاهی، از نظر بوردیو آگاهی و احساس تعلق به جامعه یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی است. آگاهی از باورهای مشترک، اهداف و آرمان‌ها، روش‌ها و موقعیت‌ها و روند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها زمینه‌های تعامل را فراهم می‌سازند (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۱). آگاهی کارآمدترین سرمایه هر ملت است. میزان دانش اعضای شبکه اجتماعی و میزان اعتماد به آن آگاهی در ورود به شبکه مؤثر است. پایه ورود به هر سیستمی اطلاعات می‌باشد. امام آگاهی مردم از وضع جامعه را عامل حرکت اجتماعی می‌داند (صحیفه امام، ج ۱: ۴۲۲). آگاهی از معایب و محاسن حرکت آفرین است. آگاهی از نیرنگ‌های دستگاه حاکم و اسلام عدالت‌پرور ضرورت دارد (صحیفه امام، ج ۳: ۱۱۴).

در مجموع این‌که سرمایه اجتماعی یک نوع دانش اجتماعی و سیاسی است که در بستر و فضای خاصی تولید می‌شود. این فضا در اندیشه امام حاکمیت احکام فطرت است. روش‌شناسی امام یک تفاوت ماهوی با صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی دارد، آن این است که آن‌ها چه صریحاً یا تلویحاً رویکرد مادی دارند، درحالی‌که امام رویکرد ارزشی دارد. نکته آخر اینکه، ابعادی که برای سرمایه

اجتماعی در این مقاله مطرح می‌شوند انحصاری نیستند بلکه استقرایی هستند و مواردی که موردتوجه قرار گرفته‌اند تقریباً در نزد متفکران مشهور جامعه‌شناسی، اجماعی است و از اندیشه امام خمینی قابل استخراج هستند.

۶. چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی

تشکیل، بقا و تقویت سرمایه اجتماعی از یک سو و فروکاهش و تنزل و زوال آن از سوی دیگر دغدغه اساسی همه متفکران است. تشکیل سرمایه اجتماعی به زمان طولانی نیازمند است، زوال آن در کمترین زمان ممکن است. در تشکیل سرمایه اجتماعی عملکرد فرد و اجتماع هر دو مؤثرند. امام به هر دو اصالت قائل است سلامتی فرد را سلامتی جامعه و سلامتی جامعه را محیط مناسبی برای تربیت افراد محسوب می‌کند. از این رو، مبارزه با موانع تربیت فرد و تهدیدات اجتماع ضرورت پیدا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۲، ۲۳۶). فرد چه مانع انحرافات اجتماعی شود، چه خود منحرف نگردد، یعنی چه صالح باشد چه مصلح، کمک به سلامتی جامعه می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۵). خودخواهی و خودبینی اجتماعی و سیاسی، در خودخواهی فردی نهفته است. خودخواهی محصول جهل انسان است هر چه جهل رو به فزونی گذارد، خودخواهی و خودبینی افزون گردد و باعث مقابله با حق می‌شود (امام خمینی، جنود عقل و جهل: ۴۴). سرمایه اصلی جامعه برای ترقی و تعالی حاصل نیروهای رحمانی و قوایی است که انسان را به سوی عالم غیرمادی سوق می‌دهند و نیروهای جهل سرمایه سوز هستند.

دغدغه اصلی و بنیادین امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ایجاد عوامل سرمایه ساز و از بین بردن عناصر سرمایه سوز بود؛ یعنی امام خمینی دنبال این است که مردم را متدین، مورد اعتماد، مشارکت‌جو، در تعامل با دیگران و ولایت‌پذیر باشند و از بی‌دینی، بی‌اعتمادی، کرختی، انزواگرایی و دوری از محور رهبری پرهیز نمایند. در اینجا چالش‌ها و عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

۶-۱. چالش‌های سرمایه اجتماعی

چالش‌ها ناشی از مسائل اجتماعی هستند و به شرایطی اطلاق می‌گردد که قابلیت تبدیل شدن به فرصت و تهدید را دارند. به دو مورد از چالش‌های سرمایه اجتماعی در اندیشه امام اشاره می‌شود.

۱- چالش تغییرات نسلی: جمهوری اسلامی هم با افزایش جمعیت جوان و هم با فاصله نسلی مواجه است. هر دو چالش جدی می‌باشند. منظور از تغییرات نسلی، امکان فاصله نسل سوم و چهارم از ارزش‌های بنیادین نسل‌های اول و دوم انقلاب اسلامی است. تفاوت نسلی زمانی رخ می‌دهد که پیوند ارزشی و ذهنی جوان و پیر کمتر یا قطع شود. اگر نهادهای تعلیم و تربیت و رسانه‌ها بتوانند

اندیشه‌های امام و ارزش‌های انقلاب را به شیوه صحیح به نسل‌های بعدی انتقال دهند و در وجود آن‌ها نهادینه نمایند به فرصت تبدیل می‌شوند. اگر فرایند تربیت، اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری صحیح صورت نگیرد، شکاف‌های نسلی تبدیل به تهدید و آسیب می‌گردد. آیت اله خامنه‌ای در این رابطه می‌گوید:

«همه دغدغه من این است که جوان انقلابی امروز نداند که ما بعد از پشت سر گذاشتن چه دورانی امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. من نگران آن هستم که نسل‌های جوان و پاک و آماده حضور در صحنه، امام را نشناسند و ما نتوانیم نسل‌های آینده را از محبت، معرفت و ارتباط با آن بزرگوار غنی کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۱۰۲).

ایشان با عبارت‌های «نگرانی»، «دغدغه» درست به چالش اشاره می‌کند. با عبارت‌های شناساندن امام به نسل حاضر و برقراری ارتباط بین نسل کنونی به فرایند تربیت و فرهنگ پذیری اشاره می‌نماید. ظاهراً گذر زمان فرسایش‌گر و فراموشی‌آور است. غفلت از مسئولیت تربیت جوانان می‌تواند مسیر نظام را تغییر دهد، شاید به همین دلیل امام می‌گوید: «تمام ملت باید معلم باشند» (صحیفه امام، ج ۷: ۱۶۲). امروز با نسلی مواجه هستیم که رژیم فاسد و ظالم، مقدمات انقلاب، کتک خوردن‌ها و محنت جنگ را ندیده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۴۰۶). نسل امروز از سلطه بیگانه و از استبداد و فساد نظام پهلوی خبر ندارد و جالب این است که نمی‌خواهد، بداند. نکته جالب‌تر اینکه جوانان نمی‌خواهند بپذیرند که یک سری عوامل (جنگ، تحریم، خرابی بجای مانده از گذشته) اجازه نداده‌اند، جمهوری اسلامی در جهت نیازمندی‌های آن‌ها اقدام جدی کند.

حدود نیمی از جمعیت کشور جوان است و از اقتضائات جوانی نوگرایی، سؤال، انتقاد، عدم رضایت به وضع موجود، تنوع‌طلبی و... است. جوان پاسخ صحیح، مستدل و سریع می‌طلبد. دغدغه و نگرانی مقام معظم رهبری دقیقاً نقطه هدف می‌باشد. غرض این نیست که جوانی جمعیت یک پدیده منفی است بلکه از عنوان بحث معلوم است که چالش تلقی شده است، می‌توان مثل دوران انقلاب و جنگ تبدیل به فرصت کرد. می‌توان با بی‌برنامگی، با اقدامات عجولانه، غیر کارشناسی شده و نا آشنایانه تبدیل به تهدید کرد، چه تبدیل به نیروی ضد شود یا به رکود و سستی کشیده شوند، هر دو تهدید است. از نظر امام جوانان قشری هستند که امور اقتصادی، فرهنگی، نظامی، سیاسی ما را می‌توانند اداره کنند (صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۲۷). فاصله طبقه جوان با دین، با علما و مسئولان باعث از بین رفتن وحدت فکری و عملی می‌شود (صحیفه امام، ج ۲: ۲۵۵). این شکاف می‌تواند ذهنی یا عینی باشد، هر دو صورت جامعه را به انحراف می‌برد.

۲- چالش کارآمدی نظام: دو نوع سؤال از قدرت و حکومت وجود دارد: یکم، چه کسانی و چرا حق اعمال قدرت و حکم دارند؟ پاسخ آن به مشروعیت حاکمیت برمی‌گردد. دوم، مقبولیت حکومت و رضایتمندی مردم از آن از کجا ناشی می‌شود؟ پاسخ آن به کارآمدی برمی‌گردد. سؤال اول مربوط به فلسفه سیاسی و سؤال دوم مربوط به جامعه‌شناسی سیاسی است. آنچه به حکومت ثبات، دوام و

پایداری می‌بخشد کارآمدی است؛ بنابراین حفظ کارآمدی حکومت در ایجاد و حفظ این عقیده در مردم که نهادهای موجود شایسته‌ترین نهادها برای اداره جامعه هستند، ارتباط مستقیمی در حمایت و پشتیبانی مردم و مشروعیت و حقانیت حکومت دارد. حضرت امام اشاره صریح به این مطلب دارند:

«شما کاری نکنید که مردم محبت به شما نکنند؛ پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشد؛ رژیم از بین نخواهد رفت اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای اینکه پشتیبان نداشت (صحیفه امام، ج ۸: ۳۷۲) و اگر یک ملتی پشتیبان حکومتی نباشد این حکومت نمی‌تواند درست بشود، این نمی‌تواند برقرار باشد» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۵۹).

امام بارها تأکید می‌کند که کاری کنید که در بین مردم جایگاه و پایگاه پیدا کنید. رضایت خدا و مردم را به دست آورید (صحیفه امام، ج ۷: ۵۱۱). قانون‌گریزی، مشارکت ندادن مردم در امور جامعه و نامحرم دانستن آنان، عدم حل مسائل زندگی مردم، احتجاب مسئولین از مردم و... از عوامل عمده ایجاد ذهنیت ناکارآمدی حکومت هستند. امام تفسیر، تبیین، ارائه و معرفی بد اسلام را عامل ناکارآمدی جمهوری اسلامی و نهادهای برآمده از آن می‌داند، در واقع ناکارآمدی یک نظام یا از جهت تئوریک و یا از جهت کارکردی می‌باشد:

«من خوف آن دارم که به واسطه قشرهایی که غرض ندارند لکن نادان هستند کارهایی صورت بگیرد که مکتب ما را آلوده کند و بد معرفی کند؛ ما شکست بخوریم در مکتب... اگر خدای نخواستہ برخلاف موازین اسلامی عمل کنند مکتب ما را شکست می‌دهند» (صحیفه امام، ج ۸: ۴۷۹).

بلافاصله پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی که هنوز دست‌یادی رژیم پهلوی از کشور قطع نشده، نابسامانی‌های انقلاب از بین نرفته انواع درگیری فکری، سیاسی، منطقه‌ای در حال شکل‌گیری علیه انقلاب است، تبلیغات وسیع شروع شد که این هم جمهوری اسلامی است که هیچ کاری در جهت تأمین مسکن، اشتغال، ازدواج و... مردم نمی‌کند یا انقلابیون نمی‌توانند کاری انجام دهند. این قضیه در جامعه‌شناسی اثبات‌شده است که اگر مردم به‌واقع یا به خیال احساس کنند که نظام حاکم ناکارآمد است، اعتماد خود را به‌نظام از دست می‌دهند. در نتیجه مشروعیت و مقبولیت اجتماعی و سیاسی آن زیر سؤال می‌رود و رو به سقوط می‌گذارد. «از جمله خرابکاری‌هایی که این‌ها می‌کنند؛ این است که ایجاد یأس کنند در ملت» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۵۳۵). اگر جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف کارآمدی خود را نشان دهد و مردم این مسئله را لمس کنند، نه تنها در ایران بلکه الگوی کشورهای اسلامی خواهد شد؛ بنابراین کارآمدی نظام، چالشی برای تعالی و انحطاط است. تداوم چالش‌ها در درازمدت می‌توانند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را به زوال بکشانند و مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی را نشانه روند.

۶-۲. عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی

در این قسمت مهم‌ترین عوامل فرسایش سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی(ره)، اختلاف، طرح جدایی دین از سیاست، افول اجتهاد و نواندیشی دینی، جزئی‌نگری دینی، ناسیونالیسم، پراگماتیسم، تغییرات ارزشی مطرح شده و موردبررسی قرار گرفته‌اند.

۱- اختلاف: اختلاف^۱ یک عمل آگاهانه است. درباره اختلاف سه رویکرد وجود دارد. رویکرد کارکردگرایی که اساساً اختلاف را مخل نظام اجتماعی می‌داند، رویکرد تضادگرایی که اساس تاریخ را اختلاف و تضاد می‌داند و رویکرد زیمل‌گرایی که برای اختلاف کارکردهای متعارض قائل است. کارکرد مثبت اختلاف این است که دوگانگی‌های جامعه را تخفیف می‌دهد. برای چنددستگی‌های حاد جامعه، راه‌حلی مطلوب پیدا می‌شود. در نتیجه هم‌افزایی و انسجام ایجاد می‌کند. اختلاف می‌تواند به‌عنوان شیر اطمینان عمل کند و از انفجار جامعه جلوگیری کند و باعث تجلی استعدادهای نهفته جامعه گردد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۹۲). در عین حال اختلاف می‌تواند شیرازه و تاروپود جامعه را به هم ریزد و باعث زوال جامعه گردد. اندیشه امام بر اساس رویکرد سوم قابل‌بررسی است. اختلاف یا بر سر مسائل فرعی یا اصلی است. اختلاف درباره مسائل فرعی برای یافتن مقصد، عامل پویایی یا اختلاف درباره مسائل اصلی، مخرب و عامل دوری از مقصد و حقیقت می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۲). آنچه همبستگی اجتماعی دینی را بگسلد و جمعیت مسلمان را متفرق سازد مخالف مقاصد بزرگ شریعت است. امام رذایل اخلاقی (جنود جهل) را، ریشه فساد، نفاق و دورویی در جامعه و مخل نظام اجتماعی و سیاسی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۱۱). امام از جمله تضادهای مخرب را «اختلاف و تفرقه در میان انقلابیون»، «جدایی بین دولت و ملت»، «جدایی ملت و روحانیت»، «اختلاف تشیع و تسنن»، «اختلاف دانشگاه و حوزه» و «جدایی دین از سیاست» می‌داند (صحیفه امام، ج ۱۷: ۵۴). اختلاف عامل واگرایی و تقابل است و انسجام نیروها را از بین می‌برد.

واگرایی در سطح دولت و مردم اعتماد را از بین می‌برد، هر یک خود را مستقل از دیگری می‌داند و نسبت به هم احساس تعلق نمی‌کنند. کلید حل این مسئله در دست دولت است. تغییر رفتار حکومت با مردم و تعامل عادلانه و خدمتگزارانه با ملت باعث همکاری و پشتیبانی مردم از گردد. فرجام سقوط دولت پهلوی در اثر جدایی از مردم به وجود آمد. اگر همه حکومت‌ها سیره خود را تغییر بدهند و با مردم تعامل صحیح داشته باشند، مشکل حکومت‌ها حل می‌شود. راه جلب قلوب مردم، خوب اداره کردن آن‌ها است. مردم تا دولت را خیرخواه خود ندانند، اعتمادی به آن نخواهند کرد، فتح قلوب مهم‌تر از فتح ممالک است که از طریق جلب اعتماد به دست می‌آید (صحیفه امام، ج ۱: ۱۲۱). نتیجه اختلاف مخرب، نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و سقوط جامعه است. سقوط جامعه ممکن است معنوی باشد، یعنی جامعه از صراط مستقیم خارج شود، هرچند به لحاظ سیاسی ساقط نشده

^۱. conflict

باشد و ممکن است سیاسی و اجتماعی باشد، یعنی جامعه از طریق آشوب و انقلاب و از طریق حمله و مداخلات بیگانگان ساقط گردد.

۲- تز جدایی دین از سیاست: امام به‌عنوان اندیشمندی که در حوزه فلسفه سیاسی تأملات بسیار نموده، دور شدن معرفت دینی از زندگی واقعی و زیست جهان را از جمله آفت‌های مهم تلقی نموده و در تبارشناسی اندیشه دینی، طرح جدایی دین و سیاست را مایه ضعف و تباهی انسان به حساب می‌آورد. چنان‌که او می‌نویسد در اذهان بسیاری از مقدسین این است که «اسلام به سیاست چه کار دارد» (صحیفه امام، ج ۲: ۲۳۹). بحث دین جدا از واقعیات زندگی قابل تصور نیست. کشاندن دین به سمت معانی غیبی و صرفاً عرفانی که هیچ‌گونه تماسی با زندگی اجتماعی نداشته باشد عامل غربت دین است. احکام و عبادات دینی ناظر به قوانین اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. انسان آغازگر کنش اجتماعی است نه موجودی که از سرنازک اندیشی‌های گیج‌کننده دائماً سر در گریبان مشکلات مصنوعی داشته باشد (امام خمینی، بی‌تا: ۲۳۸). انسان موجودی عدالت‌خواه، صاحب اخلاق کریمه و معارف الهیه می‌باشد. موجودی که از ناحیه تصمیم‌های آزاد و مسئولانه خود به‌گونه‌ای اصیل به خودشناسی و خودسازی نائل می‌آید. سیاست ورزی، مشترک بین همه انسان‌ها می‌باشد. از آنجاکه این طرز نگرش در طول تاریخ بین قاطبه علمای دین و به تبع آن آحاد بین مردم رایج نبوده، بخش بزرگی از پتانسیل اجتماعی دین در جهت پیش برد امور جامعه به کار نیفتاده یا بیکار مانده است. از سوی دیگر ایادی استعمار آشنایی ملتها بخصوص نسل جوان با اصول اسلام را به‌منزله قطع دست آنان از منافع ملتها می‌دانند، لذا می‌کوشند از جلوه‌گر شدن چهره تابناک اسلام در اذهان و افکار جوانان جلوگیری نمایند و با عناوین فریبنده و مکتب‌های رنگارنگ، آن‌ها را منحرف سازند (صحیفه امام، ج ۲: ۴۳۷).

طرح جدایی دین از سیاست دین را از خدا، روحانیت را از دین، مردم را از روحانیت جدا می‌کند. علما تبیین‌تئوریک دین می‌کنند و هم با دعوت مردم به خدا و دین حراست عملی از دین می‌کنند. از نظر امام قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ادراک ذهنی وجود داشت که این سه عنصر کارآمد هستند، انقلاب اسلامی ادراک عینی به وجود آمد. تز جدایی دین از سیاست متلاشی کردن رابطه و تعامل سه عنصر دین، علما و مردم است. آگاهانه یا ناآگاهانه از سوی ایادی داخلی و آگاهانه از سوی ایادی خارجی می‌باشد. تز جدایی دین از سیاست، دین را که مهم‌ترین نیروی محرکه بسیج اجتماعی، مولد سرمایه اجتماعی می‌باشد، از جامعه می‌گیرد. تجربه تاریخ صدسال اخیر نشان می‌دهد که هرگاه دین و متدینان به نحو صحیح وارد عرصه سیاسی و اجتماعی شده، ایادی چپاول و غارت را قطع کرده است. از این رو شیوه‌ها و فازهای مختلفی را (به‌صورت تلویحی و آشکار هم‌زمان و متوالی) به‌کاربرده‌اند. دین افیون ملت - علما ایدئولوگ طبقه حاکم، خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی، دین مربوط به جامعه سنتی، دگرگون کردن محتوای اسلام، عدم جامعیت دین، تخریب چهره روحانیت، اسلام منه‌ای روحانیت از جمله این شیوه‌های هستند.

۳- ملی‌گرایی: بیش از ده هزار بار کلمه ملت به صورت مثبت در آثار امام به کار رفته است. چندین بار از انقلاب اسلامی تحت عنوان نهضت اسلامی - ملی نام می‌برد (صحیفه امام، ج ۳: ۴۸۳). چندین بار از انقلاب اسلامی با عنوان قیام ملی ذکر می‌کند (صحیفه امام، ج ۴: ۵۹). بارها اقدامات ملی‌گرایانه رژیم پهلوی را دروغ می‌نامد، بلکه اعمال وی را ضد ملت تلقی می‌نماید (صحیفه امام، ج ۴: ۸۴). امام بارها از حیثیت اسلامی و ملی و از وظیفه اسلامی و ملی صحبت می‌کند و حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول...» را یک مسئولیت اسلامی و ملی ارزیابی کرده و همه را مسئول می‌شمارد (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳). حال سؤال این است که پس چگونه ملی‌گرایی در اندیشه ایشان یک عنصر منفی و در این پژوهش یک عامل فرسایش برای سرمایه اجتماعی تلقی شده است؟ باید بین ملی‌گرایی به مفهوم وطن‌خواهی و کشور دوستی، خدمت به ملت و تلاش برای نجات یک ملت از انواع یوغ‌ها و ملی‌گرایی به عنوان یک ایدئولوژی در برابر مکتب و ایدئولوژی اسلام فرق قائل شد. منظور ما نوع دوم است. هر چیزی می‌تواند ارزش تلقی شود به شرطی که رنگ خدایی داشته و در جهت خدمت و نجات انسان و یک ملت به کار رود (صحیفه امام، ج ۵: ۱۱۲). آدمی که امین، ملی، مستقل از شرق و غرب، خدمتگزار به اسلام و کشور باشد، باید چراغ برداشت از این طرف و آن طرف جستجو کرد. جامع‌نگری امام به مذهب تمامی ابزارهای چپ (عدالت اجتماعی و قیام) و ملی‌گرایی (وطن‌خواهی و ملت‌دوستی) را از آنان گرفت و آن‌ها را خلع ید کرد (هاشمی رفسنجانی، بی‌تا: ۲۹).

ایدئولوژی ملی‌گرایی، عامل اختلاف و تجزیه یک ملت به گروه‌های کوچک است. ملت فارس، ملت عرب ملت ترک و ... این ملی‌گرایی که هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می‌زند (صحیفه امام، ج ۱۲: ۵۱). ملی‌گرایی از چند جهت مقبول امام نمی‌باشد، یکم، خلاف رویکرد اسلام و قرآن است. دوم، ملی‌گرایی عامل تفرقه بین اقوام داخل کشور و بین ملت‌های مسلمان است. پان‌ایرانیسم، پان‌عربیسیم، پان‌ترکیسیم و ... همگی ادعای برتری نژادی دارند (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۹۱). سوم تجربه مثبتی در چند دهه اخیر در کشورهای مختلف، از جمله ایران از این ایدئولوژی حاصل نشده است. «ملی‌گرایی... برخلاف دستور خلاف قرآن مجید است. ما که می‌گوییم که جمهوری اسلامی... برای اینکه از آن امامزاده ما معجزه‌ای ندیدیم! پنجاه سال است، بیشتر، ما را عقب راندند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۳۴)، چهارم، با توجه به سه نکته مذکور، نه تنها ملی‌گرایی سرمایه اجتماعی ایجاد نمی‌کند بلکه فرسایش ایجاد می‌کند. بر این اساس ملی‌گرایی به طور مستقیم اخوت اسلامی و دین را نشانه می‌گیرد.

۴- افول اجتهاد: انقلاب اسلامی بر اندیشه‌های دینی متکی است. کارآمدی اندیشه‌های دینی بر اجتهاد روزآمد وابسته است. توجه به عنصر زمان، مکان و شرایط در روزآمدی اجتهاد نقش کلیدی دارد. اعتقاد بسیاری از فیلسوفان تاریخ بر این است که تمدن‌ها زاده می‌شوند، رشد می‌کنند و به دوران پیری می‌رسند و می‌میرند و تمدن جدید آغاز شود. مدل‌های مختلف را برای تحول تمدن‌ها

مطرح کرده‌اند، مانند مدل خطی، مدل چرخشی مدل تهاجمی و تدافعی و مدل‌های دیگر (واگو، ۱۳۷۳: ۱۰۰). کهنه شدن مبانی نظری تمدن‌ها و خمودگی و سستی و بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی، دو عامل پیری و مرگ آن‌ها هستند. اجتهاد و امر به معروف و نهی از منکر، تمدن اسلامی را از دو عنصر مرگبار (کهنگی اندیشه‌ها و بی‌تفاوتی اجتماعی) نجات می‌دهند. این دو عنصر اندیشه‌ساز و جامعه‌ساز در جامعه اسلامی، تمدن اسلامی را همیشه در حال تهاجم، پویایی و بالندگی نگه می‌دارند و به حالت تدافع و سرایشی سقوط نخواهد افتاد. دکتر شریعتی درباره اجتهاد می‌نویسد: «اجتهاد تحقیق آزادانه محقق مسئول است... برای مردم و سرنوشت مردم و برای فهمیدن عقاید و ارائه جدید راه‌حل‌ها و پاسخ به نیازهای زمان و طرح ضرورت‌های زندگی اجتماعی و روشنگری و هدایت جامعه‌اش بر اساس مکتب (شریعتی، ۱۳۶۲: ۲۴۹). اجتهاد آزاد عاملی است که مذهب را از ماندن در قالب‌های منجمد و ثابت ... نجات می‌دهد» (شریعتی، ۱۳۵۹: ۲۳۲).

اجتهاد تلقی و برداشت مذهب را برحسب پیشرفت و تحول علمی و آگاهی مردم، تحول می‌بخشد و آن را از پوسیدگی و کهنگی نجات می‌دهد. امام ملاک اجتهاد و مجتهد حاکم را شناخت درست حکومت و جامعه و داشتن بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری می‌داند، اگر این ویژگی را نداشته باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷۸). یکی از مسائل بسیار مهم در اجتهاد نقش زمان و مکان است. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی است به شرطی که پشتوانه اصلی حکومت اسلامی در عرصه اعتقادی و اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، اجتهاد می‌باشد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۱۷). در واقع بدون اجتهاد پویا، اسلام ناکارآمد گردد و ناکارآمدی، مشروعیت نظام سیاسی را از بین می‌برد. فقدان مشروعیت به مثابه فقدان سرمایه اجتماعی و سقوط یک نظام است.

از سوی دیگر یکی از عواملی که ناکارآمدی اندیشه‌ها را در جامعه نشان می‌دهد، گسترش مفاسد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. ترک معروف‌ها و ارتکاب منکرات در جامعه چیزی است که به سقوط آن منجر می‌شود. احیای نظارت اجتماعی یا به تعبیر صحیح آن امر به معروف و نهی از منکر باعث پاکسازی عملی جامعه می‌شود و مردم عملاً طعم شیرین اندیشه‌های دینی را می‌چشند. امام همه را موظف به نظارت بر امور جامعه می‌داند (صحیفه امام، ج ۷: ۳۴) و امر به معروف و نهی منکر از والاترین و شریف‌ترین واجبات می‌باشند و به وسیله این دو، واجبات برپا می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۲۵). این عبارات نشان می‌دهند که از نظر امام اجتهاد و نظارت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دو عامل مهم نجات جامعه اسلامی و احیای ارزش‌های اسلامی هستند. بدون آن‌ها انحطاط جامعه اسلامی قطعیت پیدا می‌کند.

۵- مصلحت‌گرایی پراگماتیستی یا مکتب اصالت عمل: مصلحت در متن اندیشه دینی قرار دارد. احکام دین در مدار مصالح و مفاسد می‌چرخد؛ اما مصلحت پراگماتیستی با اندیشه‌های امام منافات

دارد. در این دیدگاه نتایج عملی معیار «حقیقت» هستند نه «مطابقت با واقع»، این عبارت زمانی مفهوم دارد که حقیقت یک معیار بیرونی داشته باشد، درحالی که در پراگماتیسم حقیقت یک چیز عینی مطلق و ثابت نیست، بلکه چیزی است که نتیجه‌ای عملی و رضایت‌بخش در پی داشته باشد. سودمندی و نتیجه بخشی معیار صحت و درستی تصمیمات و اعمال تلقی می‌گردد. در مصلحت‌گرایی پراتیک، تکالیف دینی بی‌معنی و بیهوده است. مصلحت در اندیشه دینی، مصلحت برای تکلیف است و در اندیشه پراتیک تکلیف برای مصلحت است. تکلیف در دین به معنای موظف بودن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت کردن از اوامر و نواهی پروردگار است. مکلف انسانی است که طالب طلب الهی امرونی می‌باشد. «خواست خدا هرچه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خدائیم» (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۱۸). پراگماتیسم باور، ارزش و رفتار خاص دارد، خود یک حوزه فرهنگی است و یک آفت مانع و رقیب جدی برای اندیشه‌های امام می‌باشد.

۶- تغییرات ارزشی: اگر بگوییم نیازها، اساس ارزش‌ها هستند، تغییر نیازها، تغییر ارزش‌ها را در پی خواهد داشت. مسابقه انباشت ثروت بین اغنیا و اقویا و مینا قرار گرفتن آن به‌عنوان امتیازات اجتماعی و کرامت انسانی، ستون فقرات فقرا را خرد می‌کند. تغییر نیازها و ارزش‌ها در مادی‌گرایی حد یقف ندارد. در این مسابقه سطح نیازها و سطح درآمدها به‌هیچ‌وجه برابری نخواهند کرد. افزایش نیازها و کاهش درآمدها، عامل انحراف و فساد است. اصل شدن دنیا، ضعف تدین و تقوی را در پی دارد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۵۰). یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۸۰ نشان دهد که بیش از ۵۱ درصد پاسخگویان، گذشت را، حدود ۳۹ درصد امانت‌داری را، حدود ۵۳ درصد انصاف را، حدود ۵۰ درصد صداقت را، حدود ۴۲ درصد پایبندی به قول و قرار را پایین می‌دانند و حدود ۶۲ درصد دورویی را، حدود ۷۰ درصد تقلب و کلاه‌برداری را و حدود ۶۵ درصد تملق و چاپلوسی را بالا می‌دانند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰: ۶۴). درواقع صدق این شاخص‌ها به‌منزله فروریختن دیوار اعتماد، کاهش مشارکت عمومی، اخوت اسلامی و ارزش‌های دینی است.

۷. نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب ارائه‌شده در این پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که زعامت و رهبری جامعه اسلامی به لحاظ اعتقادی و جامعه‌شناختی هم سرمایه اجتماعی است و هم می‌تواند در ایجاد و تقویت پایه‌های دیگر آن تأثیرگذار باشد. درواقع هم سرمایه اجتماعی و هم مولد آن می‌باشد. رهبری چون یک امر مستدام است، عاملیت همگرایی و پویایی را مداوم بازی می‌کند. رهبری امام که نشئت گرفته از ولایت سیاسی معصومین می‌باشد، مصداق سرمایه اجتماعی بود. تحقق همه توانمندی‌های ولایت و رهبری در جامعه اسلامی منوط به همراهی مردم و تجمع مردم بر محور رهبر است. معیار حقیقی رهبری اعتماد و نفوذ است. امام خمینی با توجه ویژگی‌های شخصی،

شخصیتی، مقام و اشتراک ارزشی با مردم در پیروان خود نفوذ داشت و توانست ضمن اعتماد به مردم، اعتماد، حمایت، پشتیبانی و مشارکت مردم را با خود همراه سازد و در جامعه ایران تغییر ایجاد کند. هویت مذهبی و سیاسی شیعه با ولایت گره خورده است. امام رگ هویتی مردم را پیدا کرد. امام مردم را به مرحله فهم ولایت رساند. ایشان گاه تعبیر می‌کند که ملت ایران تحول روحی و انسانی پیدا کرده‌اند، گاه تعبیر می‌کند مردم ایران از مردمان صدر اسلام بهترند، گاه به مردم ایران افتخار می‌کند، گاه خود و همه سران را مدیون ملت ایران می‌داند. تأثیرگذاری، نفوذ و اعتماد رهبری، رضایت، پیروی، همراه سازی داوطلبانه مردم اساس رهبری ایشان را بنا می‌کردند.

فرسایش سرمایه اجتماعی حکایت از اختلال در پایه‌های آن می‌کند. اختلال در صورتی به وجود می‌آید که نسبت روابط بین مؤلفه‌های آن کاهش می‌یابد. شکاف بین حوزه‌های مختلف دین (اعتقاد، اخلاق و رفتارها) با فازه‌های مختلف از مهم‌ترین قضایای فرسایش سرمایه اجتماعی هستند. فازه‌های جدایی اسلام و سیاست از زمانی که نقش اسلام در تحولات اجتماعی و سیاسی در سده اخیر روشن‌تر گشت کم‌وبیش به صورت علمی مطرح بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری آن در معادلات و مناسبات داخلی، منطقه‌ای بین‌المللی شدیدتر و پیچیده‌تر گردید. سکولاریسم با همه فازه‌های دین و روحانیت (رهبری) را نشانه رفته است. با کنار گذاشته شدن آن‌ها بسیاری از عناصر سرمایه اجتماعی آور فرومی‌ریزند. فرسایش سرمایه اجتماعی از زوال ابعاد پنج‌گانه سرمایه اجتماعی (نظام ارزشی و هنجاری، اعتماد اجتماعی و سیاسی، مشارکت سیاسی و اجتماعی شبکه روابط اجتماعی و نفوذ رهبری) خبر می‌دهد.

فرسایش سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده تأثیرگذاری عوامل فرسایش می‌باشد. فروپاشی پایه‌های سرمایه اجتماعی به استحکام نظم جامعه آسیب می‌رساند. ازهم‌پاشیدگی نظم اجتماعی، انزوای اجتماعی، ناامیدی، انفعال گرایی را به وجود می‌آورد. پایین بودن میزان ارتباطات یا فقدان آن بین دولت، مردم و علما بر اساس نظام ارزشی و هنجاری، موجب سلب اعتماد متقابل می‌گردد. فرسایش سرمایه اجتماعی جامعه را دچار به‌هم‌ریختگی و آনومی سیاسی کرده و کار هدایت و مدیریت جامعه را مختل می‌سازد. نشاط و شادابی اجتماعی، تعهدات جمعی و هویت جمعی دچار اختلال می‌شود. در نهایت اینکه فرسایش سرمایه اجتماعی، باعث تضعیف مشارکت سیاسی، توزیع قدرت، اعتماد سیاسی و اجتماعی و تعهدات مدنی را تضعیف می‌شود. بنابراین آسیب دیدن سرمایه اجتماعی از سرنوشت نامعلوم جامعه خبر می‌دهد.

منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۶). «جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال هفتم، شماره ۱۶.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی. گردآورنده: کیان تاجبخش؛ ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تاجبخش، کیان و همکاران (زمستان ۱۳۸۲). «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی: بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۹.
- حسینی بهشتی، علیرضا و هادوی، نادر (زمستان ۱۳۸۵). «نقش اعتمادسازی در افزایش مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی». فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۶۱). جهاد اکبر. تهران: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۶۷). پیام استقامت: پیام حضرت امام به حجاج بیت‌الله الحرام. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۲). آداب‌الصلوة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۳). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسيله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام (مجموعه سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌ها). دوره ۲۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۱). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت‌فقیه: حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ نشر عروج.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، روح‌الله (بی‌تا). کتاب البیع. ۵ جلدی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دی. ای. دی‌واس (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۷۸). «آسیب‌شناسی اعتماد عمومی به روحانیت از منظر امام خمینی». مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه کیهان.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». نامه انجمن جامعه‌شناسی. تهران: نشر کلمه.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹). تشیع علوی و تشیع صفوی. مجموعه آثار. تهران: چاپ و انتشارات تشیع.

- شریعتی، علی (۱۳۶۲). شیعه. مجموعه آثار، جلد ۷. تهران: الهام.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها. تهران: سازمان شهرداری‌ها.
- غفاری، غلامرضا و چلبی، مسعود (۱۳۸۴). سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۶). «دین و سرمایه اجتماعی». مجله معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۲۳.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. تهران: کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- کوهکن، علیرضا (بهار ۱۳۸۸). «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی». فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۷.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۷). سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه. دفتر اول نشست‌ها و گفت‌وگوها. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۴). سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۱). بررسی نگرش‌ها، رفتارها و آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی مردم ایران. تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. دوره ۲۷ جلدی. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (بی‌تا). انقلاب یا بعثت جدید. قم: یاسر.
- واگو، استفان (۱۳۷۳). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی. ترجمه احمدرضا غروی‌زاده. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰). یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: دفتر انتشارات طرح ملی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها.

Bourdieu, pierre (1985), the forms of capital", in handbook of theory and research for the sociology of education, ed. JG. Richardson, New York: Green wood.

Bourdieu, pierre (1994), practical reason, Cambridge: polity press.

Lin Non, Bunnie H. Ericson (2008), social capital; an international research program, oxford university press, first edition.

Turner, Jonatan H (2001), The Structure of Sociological theory, sixed Edition, Wadsworth publishing company.

Research Article

Challenges and Factors of Social Capital Erosion in the Islamic Revolution

Ali Moradi Bahmei¹

Date of received: 2026/05/10

Date of Accept: 2026/06/10

Abstract

This article examines and analyzes the challenges and factors contributing to the erosion of social capital in the Islamic Revolution, with particular emphasis on the thoughts of Imam Khomeini (may God have mercy upon him). This issue is of particular importance because the challenges and factors leading to the decline and deterioration of social capital constitute a major concern for many sociological thinkers; while the formation of social capital requires a long period of time, its erosion may occur within a very short period. The present study addresses this issue with emphasis on the collection of Imam Khomeini's statements, which constitute a vast treasury of contemporary Islamic and revolutionary knowledge and a comprehensive manifesto of the Islamic Revolution. Methodologically, this study is descriptive-analytical in nature, and its data were collected through library and documentary methods. The main research question is: What are the most important challenges and factors contributing to the erosion of social capital in Imam Khomeini's thought? The findings indicate that generational changes and the efficiency of the political system constitute major challenges, while conflicts at different levels, the promotion of the separation of religion and politics, the decline of ijtihad and religious intellectual renewal, pragmatic expediency, nationalism, and changes in values constitute the principal factors contributing to the erosion of social capital from the perspective of Imam Khomeini.

Keywords: Social Capital, Islamic Revolution, Imam Khomeini, Social Capital Erosion.

Citation (APA 7th ed. / APSA)

Moradi Bahmei, Ali(Summer 2026). "Challenges and Factors of Social Capital Erosion in the Islamic Revolution". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 9, Issue 2, S.No. 34, pp. 99 - 126.

¹. Assistant Professor of Political Science, Faculty of Humanities, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: moradialijan@gmail.com

Copyright © 2010, SSSI (Shiraz Strategic Studies Institute). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Adami, Ali (2017). "The Position of Social Capital in the Context of Soft Power with Emphasis on the Views of Imam Khomeini." *Quarterly Journal of Soft Power Studies*, Vol. 7, No. 16. (in Persian).
- Putnam, Robert (2005). *Bowling Alone: Social Capital and Public Life*. Compiled by Kian Tajbakhsh; translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan. Tehran: Shirazeh.
- Tajbakhsh, Kian (2005). *Social Capital: Trust, Democracy, and Development*. Translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan. Tehran: Shirazeh. (in Persian).
- Tajbakhsh, Kian, et al. (Winter 2003). "Social Capital and Social Policies: Examining the Status of Social Capital in Contemporary Iran." *Social Welfare Quarterly*, Vol. 3, No. 19. (in Persian).
- Hosseini Beheshti, Alireza, and Nader Hadavi (Winter 2006). "The Role of Trust-Building in Increasing Public Participation from the Perspective of Imam Khomeini." *Social Sciences Letter Quarterly*, No. 29. (in Persian).
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (1982). *The Greater Jihad*. Tehran: Islamic Research Unit, Be'sat Foundation.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (1988). *The Message of Perseverance: Imam Khomeini's Message to the Pilgrims of the House of God*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian).
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (1993). *Adab al-Salat*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (1994). *Forty Hadiths (Arba'in Hadith)*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (2000). *Tahrir al-Wasilah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (2000). *Sahifeh-ye Imam (Collection of Speeches, Messages, and Letters)*. 22 vols. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian).
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (2002). *Interpretation of Surah al-Hamd*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (2002). *Velayat-e Faqih: Islamic Government*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; Orouj Publications.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (2003). *Commentary on the Hadith of the Soldiers of Reason and Ignorance*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (Imam) (n.d.). *Kitab al-Bay'*. 5 vols. Qom: Esmaeilian Institute.
- De Vaus, D. A. (1997). *Surveys in Social Research*. Translated by Hooshang Nayeibi. Tehran: Nashr-e Ney.
- Rabbani Khorasani, Ali (1999). "Pathology of Public Trust in the Clergy from the Perspective of Imam Khomeini." In *Proceedings of the Congress on Imam Khomeini and Islamic Government*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian).
- Rafiepour, Faramosh (1998). *Development and Conflict: An Attempt to Analyze the Islamic Revolution and Its Social Issues*. Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Entehsar.
- Saroukhani, Bagher (1991). *An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Kayhan Institute. (in Persian).

- Sharepour, Mahmoud (2001). "The Erosion of Social Capital and Its Consequences." Letter of the Iranian Sociological Association. Tehran: Kalameh Publications. (in Persian).
- Shariati, Ali (1980). *Alavid Shi'ism and Safavid Shi'ism. Collected Works*. Tehran: Tashayo Printing and Publishing. (in Persian).
- Shariati, Ali (1983). *Shi'ism. Collected Works, Vol. 7*. Tehran: Elham. (in Persian).
- Alavi-Tabar, Alireza (2000). *Participation in the Administration of Urban Affairs*. Tehran: Municipalities Organization. (in Persian).
- Ghaffari, Gholamreza, and Masoud Chalabi (2005). *Measuring and Explaining Social Capital in Iran*. Tehran: Social Affairs Office, Ministry of Interior. (in Persian).
- Fasihi, Amanollah (2007). "Religion and Social Capital." *Ma'refat Journal*, Vol. 16, No. 123. (in Persian).
- Fukuyama, Francis (2000). *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*. Translated by Gholamabbas Tavassoli. Tehran: Jame'eh-ye Iranianan.
- Firouzabadi, Ahmad (2005). *An Examination of Social Capital and the Factors Affecting Its Formation in the City of Tehran*. PhD Dissertation, University of Tehran, Faculty of Social Sciences. (in Persian).
- Field, John (2007). *Social Capital*. Translated by Gholamreza Ghaffari and Hossein Ramezani. Tehran: Kavir.
- Coleman, James (1998). *Foundations of Social Theory*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Nashr-e Ney.
- Kouhkan, Alireza (Spring 2009). "Components of Islamic Social Capital." *Rahbord-e Yas Quarterly*, No. 17. (in Persian).
- Lakzaei, Sharif (2008). *Transcendent Politics from the Perspective of Transcendent Philosophy. First Volume of Meetings and Dialogues*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. (in Persian).
- Lakzaei, Najaf (2005). *The Evolution of Imam Khomeini's Political Thought*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (in Persian).
- Mobaraki, Mohammad (2004). *An Examination of the Relationship between Social Capital and Crime. Master's Thesis, Shahid Beheshti University, Tehran*.
- Mohseni, Manouchehr (2002). *A Study of the Attitudes, Behaviors, and Social and Cultural Awareness of the Iranian People*. Tehran: Research Deputy of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian).
- Motahhari, Morteza (1995). *Collected Works*. 27 vols. Tehran: Sadra. (in Persian).
- Moein, Mohammad (1997). *Moein Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar (n.d.). *Revolution or a New Mission*. Qom: Yaser.
- Wago, Stephen (1994). *An Introduction to Theories and Models of Social Change*. Translated by Ahmadreza Ghorvi-Zadeh. Tehran: Academic Jihad Publishing Institute.
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (2001). *Findings of the Survey Conducted in 28 Provinces of the Country: Values and Attitudes of Iranians*. Tehran: Publications Office of the National Project for the Survey of Values and Attitudes.
- Bourdieu, Pierre (1985). "The Forms of Capital." In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood.
- Bourdieu, Pierre (1994). *Practical Reason*. Cambridge: Polity Press.
- Lin, Nan, and Bonnie H. Erickson (2008). *Social Capital: An International Research Program*. Oxford: Oxford University Press.
- Turner, Jonathan H. (2001). *The Structure of Sociological Theory. Sixth Edition*. Wadsworth Publishing Company.

